

تاریخ: ۵۸/۴/۱۲

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد

بسم الله الرحمن الرحيم

لزوم جلوگیری از خرید و فروش مواد مخدر و مبارزه با مطلق فساد
اصل قضیه مبارزه با فساد مطلقاً و با این قسم از فساد که اعتیاد باشد، هیچ اشکالی ندارد و
مطلبی است که باید بشود و باید هم دولت و اشخاصی که می‌توانند کمک کنند که این فساد برداشته
شود، در این هیچ اشکالی نیست و هر عقلی و هر عاقلی این معناراً تصدیق دارد که با اینطور فسادها
که جوان‌های ما را به نیستی تقریباً می‌کشاند باید مبارزه بشود و آنهایی که معتاد هستند باید آنها را در
مراکزی، از اعتیاد بیرون بیاورند و بالاتر، جلوگیری از فروش و خرید و بخش اینگونه مواد بسیار
لازم است، از نظر شرع، این کار هم باید بشود. من حالا کیفیت اینکه چه جور است و وضعیتش چه جور
است اینها را دیگر من الآن اطلاعی ندارم، اگر آقایان مثلاً یک برنامه‌ای دارند و آن برنامه موافق با
مضالغ است و موافق با همین قضیه است که برای جلوگیری از اعتیاد و برای اینکه معتادین را معالجه
بکنند، بسیار امر صحیحی است و لازم است. البته فساد در این مملکت هم منحصر به اعتیاد نیست، به
اعتیاد و اینطور فسادها دامن زدند، زیاد کردند، اصل برنامه این بوده است که جوان‌های ما را به فساد
بکشند. اینها برای اینکه مبدا یک قدرتی یک وقتی در مقابلشان قیام کند، هر جا که احتمال قدرتی
می‌دادند آن را با تمام قوا سرکوب کردند. احتمال می‌دادند که روحانیت جلوی آنها را بگیرد، زمان
رضاخان هر که یادش است می‌داند که با روحانیت چه کردند و بعدش هم به آن طرز نبود، به طرز
شیطنت‌گری بدتری در زمان این یکی بود. دانشگاه را احتمال می‌دادند که یک وقتی در مقابل اینها
بایستد، دانشگاه را هم با طرح‌هایی نگذاشتند که دانشگاه صحیح برای این مملکت باشد. مردم را
احتمال می‌دادند که اگر اتکا بکنند به اسلام یا اتکا کنند به روحانیت، کاری از آنها بیاید، از روحانیت و
اسلام جدیت می‌کردند که جدا کنند، مردم را بدبین کنند به روحانیت بلکه بتوانند بدبین بکنند به اصل
همه مکتب‌های توحیدی و اسلامی. از این جهت تبلیغات دامنه‌داری که باید گفت چند ساله طوری کرده
بود که جوان‌های ما اشخاصی که درست، به عمق مسائل سیاسی نمی‌رسیدند، اینها هم باورش‌شان آمده
بود که اسلام یا هر مکتب توحیدی برخلاف مسیر ملت‌هاست و جلوگیری از رشد انسانی می‌کند،
جلوگیری از تمدن می‌کند. اگر یادتان باشد در زمان محمدرضا و در اوائل این نهضت یک وقتی در
یکی از کلامش گفت که این معمین، روحانیون می‌خواهند که مملکت برگردد به حال سابق، حتی کسی

سوار اتومبیل هم نشود، سوار طیاره هم نشود، اینها با این هم مخالفند، اینها می‌خواهند مثل همان سابق مثلاً با الاغ این طرف و آن طرف بروند. همان وقتی که بعضی مراجع با طیاره رفته بودند به مشهد، همان وقت هم ایشان همین حرف را می‌زد که ما هم بالای منبر گفتیم همین حرفی که این می‌زند الآن بعضی مراجع با طیاره رفتند مشهد، چطور این حرف را می‌زند؟ روحانیت با فساد مخالف است نه با تمدن. این رژیم بود که به اسم تمدن فساد را رایج کرد، مراکز فحشا در تهران آنطوری که می‌گویند بیشتر از مراکز کتابفروشی بود، مشروب‌فروشی از کتابفروشی می‌گویند در تهران زیادتر بوده، حالا البته انشاء الله نیست.

آن کسی که در سرحدات شلوغ کاری می‌کند و آن کسی که هروئین را در مملکت رواج می‌دهد هر دو طبق یک نقشه برای شکست این نهضت عمل می‌کنند. اینها می‌خواستند که هر قوه‌ای که احتمال بدهند که در مقابل اجانب و ارباب‌ها می‌ایستد و هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در مقابل آنهاست، اگر بتوانند فکر را از آنها بگیرند. فکر را چطور بگیرند؟ با اعتیاد به مشروبات، با اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می‌گیرد، انسان را از میان تهی می‌کند و مراکز فحشائی که سرتاسر مملکت بود، مراکز فسادی که سرتاسر مملکت بوده، خوب، این هم جوان‌ها را مشغول می‌کرد به امور شهوانی که بکلی افکار را از دستشان می‌گرفت. این یک برنامه‌ای بود که روی یک حساب دقیق این کارها انجام می‌گرفت. و الآن روی یک حساب دقیق دارد یک کار دیگر انجام می‌گیرد. شما گمان نکنید که همین طوری الآن صد تا گروه پیدا شده، صد تا گروه اظهار وجود کرده، صد تا بیشتر می‌گویند اظهار وجود کرده‌اند، این همین طوری نیست صد گروه در یک مملکتی اظهار وجود کنند، یعنی صد گروه با هم اختلاف پیدا بکنند، یعنی صد گروه با اسلام مخالف باشند، بیشترشان، این همین طوری نیست که من باب اتفاق هر گروهی دلشان خواسته، خیر، یک دستی در کار است که یا اینها دانسته هستند که خیانتکارند چنانچه بسیاریشان اینطورند یا ملتفت نیستند و توجه به مسائل سیاسی ندارند. در یک موقعی که همه قدرت‌ها جمع شد با هم و ملت را با هم منسجم کرد، الآن که وقت این است که نتیجه گرفته بشود و سازندگی بشود، در این موقع آمدند گروه‌های مختلف، دستجات مختلف، احزاب مختلف، هر کسی یک طرفی یک گروه درست کرد، بسیاریشان در مقابل نهضت و در مقابل اسلام و بسیاریشان هم اسم این را نمی‌برند لکن واقعش همین طور است. اینها یک مسائلی است که حساب کردند رویش خارجی‌ها، حساب کردند رویش آنهایی که مطالعه کردند در افکار و در عادات ما، در جمعیت‌های ما. آنها از هر راهی می‌خواهند نگذارند که این نهضت به ثمر برسد و تا بتوانند از این شلوغکاری‌هایی که در مرزها و در جاهای دیگر می‌شود، نتیجه بگیرند. الآن یک جمعیتی آمده‌اند اینجا که خرمن‌های ما را آتش زدند و یا مشغول آتش زدن خرمن هستند. فرض کنید که یک دسته‌ای هستند که اینهایی که آتش می‌زنند خرمن‌ها را، اولاً نمی‌گذاشتند کشت بکنند، بعد نمی‌گذاشتند برداشت

بکنند. حالا هم که خرمن کردند، آتش می‌زنند و این همان گروهی هستند که می‌گویند ما طرفدار مردم هستیم. طرفدار خلق. طرفداری از خلق را به اینطور می‌دانند که نگذارند زراعت کنند، بعد هم نگذارند اینها زراعت‌شان را بزدارند، بعد هم اگر خرمن کردند خرمن‌ها را آتش بزنند. این طرفداری آنهاست که مثل تمدن بزرگ شاه است. طرفداری آنها این است که این ملت را بخواهند ضعیف نگاه دارند، این ملت را بخواهند فقیر نگه دارند، این ملت را مختلف و متشتت قرار بدهند تا اینها مشغول به این کار هستند، آنها بیایند قبضه بکنند همه چیز ما را. به هر حال از چیزهای مهمی که در این باب بوده همین قضیه مواد مخدر بود که با حساب، مواد مخدره می‌آید نه این است که یک قاچاقچی این کار را می‌کند یا قاچاقچی‌هایی، خیر، اینها حساب دارد، اینها روی حساب فهمیدند دانشگاه را باید چطوری نگذارند عمل بکنند، مدارس علمی را باید چه جوری نگذارند کار بکنند - عرض می‌کنم که - جوان‌ها را چه جوری باید نگذارند که مفید برای جامعه باشند و نگذارند رشد نکنند و یک قسمش هم همین است که با اعتیاد، با هروئین و با تریاک و امثال ذالک این کارها را رواج بدهند. اینها یک مسائل حساب شده است، شما اینها را پای چهار تا قاچاقچی حساب نکنید، این قاچاقچی‌های بزرگ این کارها را می‌کنند، این دست‌های خارجی دارد این کارها را می‌کند، اینطور نیست که این مفسده‌هایی که الآن در ایران دارد می‌شود مثلاً شما این را پای یک جمعیتی حساب بکنید که شلوغکار هستند. خیر، این روی حساب صحیح دقیق، پیش خودشان حساب شده است. باید این مملکت که بتاست اسلامی بشود و اگر انشاء الله اسلامی بشود، دست اینها دیگر تا آخر کوتاه است، نه به نفتش می‌توانند دست بزنند، نه به مس‌اش و نه به سایر چیزهایش. اینها می‌خواهند که نگذارند این نهضت به آخر برسد. تا می‌توانستند همه جمع شدند که نگذارند محمدرضا برود، همه قوا جمع شدند که نگذارند او برود. خوب، نشد، ملت قیام کردند و نشد، بعد که او رفت جمع شده بودند که بختیار را نگه دارند که آن هم تالی اوست، او هم یکی از نوکرهاست. بعد که آن هم ملت خارجش کرد و این چیزها، کوشش می‌کردند که باشد، بعد از اینکه یک عده‌ای حتی اشخاص محترم هم کوشش کردند به اینکه بماند، خود او بعدش کوشش کرد به اینکه بختیار باشد و بعد از کوشش به اینکه این چیز یا شورای سلطنتی باشد و ما انتخابات را درست کنیم. اینها همه یک چیزهایی است که هی تزریق می‌کردند که یک اشخاص بی‌اطلاعی از آنها قبول می‌کردند و طرح می‌دادند. ملت قبول نکرد این حرف را از آنها، همه اینها را زد کنار. حالا که همه زدند کنار و از آن جهت هم مأیوس هستند و بعد آمدند سراغ انتخابات، انتخابات را منع می‌کردند، یک دسته تحریم می‌کردند، بعضی‌ها تحریم کردند قضیه رفراندم را، بعضی‌ها تحریم کردند رفراندم را و بعضی‌ها آتش زدند، گروهی آتش زدند صندوق‌ها را، با سلاح گذاشتند مردم رأی بدهند، خوب، اینجا هم شکست خوردند و مردم رأی دادند، رأیی که در دنیا سابقه نداشت، اکثریتی که در دنیا سابقه نداشت. دادند اینها. از این هم دستشان کوتاه شد، بعد آمد سراغ قانون اساسی. باز بنا کردند یک کارشکنی کردن که نه، باید مجلس مؤسسان باشد اگر مجلس مؤسسان نباشد چه و چه خواهد شد، برای اینکه نگذارند جلو برود از این هم دستشان کوتاه شده، حالا افتادند

دنبال همین که همین هیأت هم نگذارند درست بشود، آنطور چیزها. اینها، اصلاً تمام اینها یک نقشه‌های حساب شده است، نه آن کسی در سرحدات و اینها به اسم مثلاً کمونیستی و به اسم نمی‌دانم کذا شلوغکاری می‌کنند، اینطور است که دست خودشان است که آمده‌اند می‌کنند، نه اینکه هر وین و رواج هر وین در سرتاسر مملکت یک چیز همین طوری شده و من باب اتفاق شده است، نه، اینها همه روی نقشه است، نقشه کشیده‌اند اینها که نگذارند این نهضت به ثمر برسد، چه بکنند. از همه اطراف خرابکاری. یکی از خرابکاری‌هایشان همین است که جوان‌ها را نگذارند یک جوان صحیح بار بیاید و اگر یک نهضتی بشود، از این نیروی جوانی باید استفاده بشود، نگذارند این نیروی جوانی به ثمر برسد. بنابراین، خوب مسأله‌ای است که همه جوانب باید جلوگیری بشود و البته همه جوانب را هم همه کس نمی‌تواند، هر دسته‌ای باید یک گوشه‌اش را بگیرند و درست بکنند. یک دسته مبارزه با مواد مخدره بکنند، یک دسته مبارزه با مشروبات بکنند، یک دسته مبارزه — عرض بکنیم — با فسادهای دیگر بکنند و همین طور تا انشاءالله بلکه این نهضت به ثمر برسد و دولت اسلامی آنطوری که اسلام فرموده است نه آنطوری که هواهای نفسانی بخواهد بکند. آنی که اسلام فرموده است اگر انشاءالله این تحقق پیدا بکند، سعادت برای این ملت و سایر ملت‌ها، انشاءالله کشیده می‌شود به سایر ملت‌ها، انشاءالله.

و من توفیق شما را در این مجاهدت از خدا می‌خواهم و البته هر کس هم بتواند کمک بکند به شما، کمک به امر خیری است لکن اصل حالا تشکیلاتان چه جور است و وضع چه جوری است، اینها را دیگر من اطلاعی ندارم. آن کلیات را من عرض کردم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته